



واکاوی شخصیت، اندیشه و میراث جاویدان استاد شهید مطهری

این مقاله تحلیلی، به بررسی شخصیت، سبک فکری و آثار ماندگار استاد شهید آیت‌الله دکتر مرتضی مطهری می‌پردازد

...

این مقاله تحلیلی، به بررسی شخصیت، سبک فکری و آثار ماندگار استاد شهید آیت‌الله دکتر مرتضی مطهری می‌پردازد و با تکیه بر دیدگاه‌های امام راحل، امام شهید انقلاب و یاران نزدیک آن عالم فرزانه، ابعاد مختلف اندیشه اسلامی، مبارزه با خرافات، ضرورت بیداری فرهنگی و راهکارهای اصلاح جامعه از منظر این فیلسوف بزرگ را تبیین می‌نماید.

مقدمه:

بیان مسأله

در تاریخ پرفراز و نشیب بشریت، گاه چهره‌هایی درخشان و نورانی پا به عرصه ظهور می‌گذارند که مشعل فروزان تفکر و چراغ هدایت، مسیر اندیشمندان و حقیقت‌جویان را به سمت کمال روشن می‌سازند. در میان این ستارگان درخشان، شخصیت نادره‌ای چون شهید علامه دکتر مرتضی مطهری (قدس سره) قرار دارد که نه تنها در عصر حیات خود، بلکه پس از شهادتش نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی تفکر دینی و انقلابی در ایران و جهان اسلام شناخته می‌شود.

ایشان چهره‌ای چندبعدی بود که در رشته‌های متنوعی از جمله فقه، کلام، تفسیر، فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و تاریخ، آثاری ارزشمند به جا گذاشته است. اما سوال اساسی اینجاست:

چرا با وجود انبوهی از اندیشمندان معاصر، اندیشه استاد مطهری همچنان زنده، پویا و راهگشای مسائل روز است؟ آیا صرفاً شهرت تاریخی ایشان دال بر این جایگاه است یا محتوای آثار ایشان دارای ویژگی‌های تحلیلی و کاربردی است که نیازهای انسان مدرن را پاسخ می‌دهد؟

مسأله اصلی در این نوشتار، عبور از توصیف‌های سطحی و بررسی لایه‌های عمیق شخصیت و اندیشه شهید مطهری است. ایشان نه تنها منتقد ردایل اخلاقی و انحرافات فکری بودند، بلکه به عنوان یک «طیب روح و جامعه»، همواره به دنبال درمان دردهای واقعی اجتماع بودند.

مسأله ما این است که چگونه می‌توان از میراث غنی ایشان، راهکارهایی برای مقابله با بحران‌های معاصر فرهنگی و فکری استخراج کرد و چرا رهبر کبیر انقلاب و رهبر شهید انقلاب، ایشان را ستون فقرات فکری انقلاب می‌دانستند؟

ضرورت بحث

در شرایط کنونی که جامعه اسلامی با طوفان‌های رسانه‌ای، بحران‌های هویتی و هجوم فرهنگ‌های بیگانه روبروست، نیاز به تکیه‌گاه‌های فکری محکم‌بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. آثار شهید مطهری، نقشه‌راهی برای نجات جامعه از گزند انحرافات هستند.

ضرورت نگارش این مقاله از آنجا ناشی می‌شود که اغلب افراد، آثار ایشان را تنها به عنوان کتب دینی سنتی می‌پندارند، در حالی که نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که مطهری با زبانی امروزی، به چالش‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی روز پاسخ داده است.

همچنین، با توجه به فرمایشات رهبر شهید انقلاب مبنی بر لزوم «کار فکری روی افکار شهید مطهری» و استخراج نظرات ایشان برای شکوفایی فکری جامعه، بازخوانی و تحلیل مجدد شخصیت ایشان از دریچه نگاه امام راحل و امام شهید انقلاب و یاران دلسوز علامه مطهری، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

این ضرورت شامل دو جنبه می‌شود: نخست، شناخت عمیق‌تر ابعاد مختلف شخصیت ایشان که فراتر از یک عالم دینی صرف است و دوم، استخراج الگوهای عملی برای اصلاح جامعه که ایشان در کلام خود به صراحت بیان کرده‌اند. بدون درک صحیح از این میراث فکری، جامعه اسلامی در برابر تهاجم فرهنگی و انحرافات داخلی آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند.

هدف از نگارش مقاله

هدف اصلی این نوشتار، ارائه تحلیلی جامع و یکپارچه از شخصیت، سبک فکری و دستاوردهای علمی شهید مطهری است. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم با نگاهی تحلیلی به ویژگی‌های منحصر به فرد اندیشه ایشان بپردازیم.

همچنین، هدف دوم، تبیین جایگاه ویژه ایشان در آینه نگاه بزرگان انقلاب (امام خمینی و آیت الله خامنه ای) و یاران نزدیکشان است تا ابعاد پنهان و آشکار شخصیت ایشان روشن شود.

در نهایت، با جمع بندی مباحث و ازایه راهکارهای عملی، می‌کوشیم تا نشان دهیم که چگونه می‌توان از آموزه های شهید مطهری برای بازسازی و تعالی فرهنگی و فکری جامعه امروز بهره برد.

۱. تبیین شخصیت چندبعدی و عصاره اندیشه ناب اسلامی

۱-۱. فیلسوفی که با زبان مردم سخن می‌گفت

استاد شهید مطهری، نمونه ای بی نظیر از تلفیق «علم»، «ایمان» و «بیان» است. ایشان از شخصیتی پویا، خستگی ناپذیر، باصلابت و استوار برخوردار بود که ریشه در تاریخچه غنی اندیشه و فرهنگ اسلامی داشت. ویژگی بارز ایشان، توانایی شگفت انگیز در ترجمه مفاهیم عمیق فلسفی و کلامی به زبانی ساده و قابل فهم برای عموم مردم بود.

به فرمایش امام خمینی (قدس سره)، مطهری «با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت.»^۱

این ویژگی، یعنی «بی‌قلق و اضطراب»، نشان دهنده اطمینان کامل ایشان به محتوای گفتار و اعتماد به هوش و شعور مخاطب است. ایشان نه به دنبال تحقیر مخاطب بود و نه با اصطلاحات پیچیده، حصارهای ذهنی ایجاد می‌کرد.

این سبک بیان، مطهری را به یک «معلم بزرگ» تبدیل کرده بود. ایشان معتقد بودند که «علم در ذات خود شریف است. فراگرفتن علم، عبادت و طاعت است. تعلیم دادن و یاد دادن به شاگردان بالاترین عبادت هاست. حق استاد و معلم از هر حقی بزرگ تر و والاتر است.»^۲

این نگرش، تدریس را از یک شغل صرف، به یک عبادت الهی و رسالت مقدس تبدیل می‌کرد. به همین دلیل، کلاس های ایشان در دانشگاه تهران و حوزه علمیه، همواره پر از دانشجویان و طلابی بود که تشنه حقیقت و گرسنه معنای واقعی زندگی بودند.

۱-۲. طبیب درد های اجتماع

یکی از جنبه های متمایز شخصیت شهید مطهری، رویکرد «درمان محور» ایشان به مسائل فکری و اجتماعی بود. ایشان مشکلات و معضلات را مورد تأمل قرار می‌داد و علاوه بر شناسایی و اولویت بندی درد، همواره به دنبال درمان آن نیز بود.

شهید مطهری برای موضوعات و شبهات فکری، صرفاً به رد کردن یا پیدا کردن آنها بسنده نمی‌کرد، بلکه راهکارهایی را نیز برای رسیدن به مطلوب تبیین می‌کرد. ایشان در چگونگی تبیین مباحث دینی و ارزش های اسلامی کم نظیر بود. او طبیعی بود که به دنبال شفا گرفتن درد اجتماع، هیچ گاه از مشعل افروزی و نورافشانی دور نشد و هدف خود را جهت به ثمر رساندن اهداف عالی اسلام، متعالی دید و با اسلوب و شیوه های ویژه خود، آثاری جاویدان را به اقیانوس مواج علم و اندیشه اسلامی تقدیم کرد.

این رویکرد درمان محور، باعث می‌شد که آثار ایشان امروزه نیز تازگی خود را حفظ کنند. زیرا ایشان به جای تئوری پردازی های انتزاعی، به «نیازهای واقعی» انسان و جامعه پاسخ می‌داد. ایشان تاریخچه اندیشه و فرهنگ اسلامی را خوب می‌شناختند و علاوه بر اینکه به عرصه و گستره جغرافیای زمانه خود به خوبی آگاهی داشتند، چشم انداز آینده را نیز به دلیل تیزبینی دقیق و دلسوزانه، با اخلاص ترسیم می‌کردند. به همین دلیل است که ایشان به حق از استوانه های محکم و پایدار انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شوند.

۱-۳. ایستادگی در برابر التقاط و انحراف

استاد مطهری از همان ابتدای فعالیت های علمی خود، حساسیت عجیبی روی تفکر التقاطی داشت. وقتی که همه با تفکرات التقاطی برخوردهای سطحی داشتند، او با کمال سختگیری روی جایگاه این تفکر می‌ایستاد و آن را مردود می‌شمرد. ایشان تأکید داشتند که «ایدئولوژی اسلامی متکی به متون اسلامی و بدون هیچ گرایش به چپ و راست است.»^۳

این استقلال فکری، علامه مطهری را از حلقه مفقوده بسیاری از روشنفکران دیندار آن دوران متمایز می‌کرد.

ویژگی دیگر ایشان، تعصب سخت گیرانه در برابر اصل اسلام و اصل قرآن بود. دکتر باهنر، از یاران نزدیک ایشان، یادآوری می‌کند که کوچک ترین انحرافی در یک برداشت تفسیری، فلسفی، اقتصادی یا اجتماعی درباره اسلام، باعث می‌شد که ایشان

واکنشی شدید نشان دهند. «یادم نمی رود در شرایط بسیار تند و حاد انقلاب، ناگهان ایشان در گوشه ای از مجله ای، روزنامه ای یا در تفسیری از رادیوی بیگانه ای یا در مجله ای خارجی، مطلبی درباره اسلام می دید که می خواسته چهره اسلام را مخدوش جلوه دهد، گویی این حادثه مثل یک بمب در درون استاد منفجر می شد.»^۴

این حساسیت، ناشی از عشق عمیق ایشان به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بود و نمی خواستند حتی ذره ای از اصالت این دین فطری، تحریف شود.

۲. اندیشه اسلامی؛ ضد استعمار، ضد استبداد و ضد الحاد

۲-۱. ماهیت رادیکال و اصیل اندیشه اسلامی

یکی از ظریف ترین و دقیق ترین نکاتی که شهید مطهری به آن پرداخته و خود ایشان نیز بر اهمیت آن تأکید ویژه ای داشته اند، ماهیت ضدیت گرایانه اندیشه اسلامی در برابر جریان های فکری منحرف است. ایشان در متنی که به یکی از یاران خود نوشته بود، ویژگی های اندیشه اسلامی را این گونه برشمرد: «اندیشه اسلامی، ضد استثماری، ضد استعماری، ضد استبدادی است، و در آخر اضافه کرده بودم: اندیشه اسلامی و جهان بینی اسلامی ضد الحادی است.»

ایشان تأکید می کردند که «هر اندیشه ای، هر فصلی از فصول جهان بینی که اندک گزایشی به زمینه های تفکر الحادی داشته باشد، جزء جهان بینی اسلامی نیست.»^۵

این نگاه دقیق، نشان دهنده عمق تحلیل علامه مطهری از جهان بینی های مختلف است. ایشان معتقد بودند که نمی توان بخشی از اسلام را پذیرفت و بخش دیگر را رد کرد، زیرا اسلام یک جهان بینی واحد و منسجم است. اگر در گوشه ای از تفکر ما، رگه ای از الحاد (مانند انکار معاد، انکار نبوت، یا پذیرش خرافات که نوعی الحاد پنهان است) وجود داشته باشد، آن تفکر دیگر اسلامی نیست. این موضع گیری، مطهری را از بسیاری از کسانی که سعی در تلفیق اسلام و مارکسیسم یا سایر ایدئولوژی های غربی داشتند، کاملاً جدا می کرد.

۲-۲. نقد خرافات و بدعت ها

بخش مهمی از مبارزات فکری شهید مطهری، مقابله با خرافات و بدعت هایی بود که در طول تاریخ، به نام اسلام وارد فرهنگ عمومی شده بودند. ایشان معتقد بودند که بسیاری از مردم، اسلام را با خرافات اشتباه می گیرند و این بزرگ ترین مانع برای پذیرش واقعیات دینی است. به همین دلیل، یکی از ارکان اصلاح جامعه از دیدگاه ایشان، «متوجه ساختن افکار و اندیشه ها به اسلام راستین و بیرون راندن بدعت ها و خرافه ها از مغزها» بود.

آیت الله جوادی آملی، یار دلسوز ایشان، در توصیف آثار مطهری می فرماید: «آثار شهید مطهری، بو و طعم و آهنگ آب حیات را دارد... نوشته ای که از منطق حس برخیزد، از جان نشأت نگیرد، مایه الهی ندارد. این که ملاحظه می کنید قلم و بیان و سیره علمی شهید مطهری جاذبه دارد، متاع او از بازار دیگری است. او از عالم دیگر سخن می گوید، چون سرسپرده عالم دیگر است. اوست که می تواند علوم الهی را احیا کند. این مکتب غیبی و قوی است که سرسرایندگانی را تربیت کرد که چنین سرودند: «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»... توانست در علوم رایج اثر بگذارد و آنها را از مرگ نجات دهد، از آمیختگی با خرافات رهایی بخشد، از حس دور دارد و به عقل نزدیک کند.»^۶

این سخن، نشان دهنده هماهنگی کامل عقل و نقل در اندیشه تابناک شهید علامه مطهری است.

۳. اصول چهارگانه اصلاح جامعه از منظر شهید مطهری

استاد مطهری، برای اصلاح جامعه و رسیدن به کمال مادی و معنوی، چهار اصل بنیادین را معرفی می کنند که عملی کردن هر یک از آنها، ضامن موفقیت یک مصلح است. ایشان می فرمایند: «هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عملی سازد: افکار و اندیشه ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعت ها و خرافه ها را از مغزها بیرون براند، به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد، روابط انسانی انسان ها را بر اساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد، و ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلامی قرار دهد، به حداکثر موفقیت نائل آمده است.»^۷

در ادامه، این چهار اصل را با نگاهی تحلیلی و کاربردی بررسی می کنیم:

۳-۱. اصلاح اندیشه و ریشه کنی خرافات

اولین قدم برای اصلاح جامعه، اصلاح «نگرش» و «جهان بینی» افراد است. جامعه ای که در آن خرافات حاکم باشد، نمی تواند پیشرفت علمی و معنوی داشته باشد. خرافات، دشمن عقلانیت هستند و مانع از درک صحیح حقایق دینی می شوند.

شهید مطهری تأکید داشتند که باید اسلام را به عنوان یک نظام فکری و عملی کامل، نه به عنوان مجموعه ای از مراسم تعبدی کورکورانه، به مردم آموخت. این اصل، نیازمند آموزش و پرورش صحیح و تربیت نسل جوان با تکیه بر عقل و منطق است.

۳-۲. ساماندهی زندگی مادی (تغذیه، مسکن، بهداشت، آموزش)

اسلام دینی است که به جنبه های مادی زندگی نیز اهمیت می دهد. شهید مطهری معتقد بودند که نمی توان انتظار داشت جامعه ای که در آن فقر و بی سوادگی وجود دارد، به اوج شکوفایی برسد.

بنابراین، دولت و جامعه موظفند که زیرساخت های زندگی مادی را به بهترین شکل فراهم کنند. این اصل، نقدی بر رویکرد صرفاً معنوی است که به مشکلات اقتصادی و اجتماعی بی توجه است. اسلام، دین «حیات طیبه» است که در آن رفاه مادی، مقدمه ای برای قرب معنوی است.

۳-۳. برقراری روابط انسانی بر اساس برادری و برابری

یکی از آفات بزرگ جوامع انسانی، تفرقه، دشمنی و عدم اعتماد است. شهید مطهری بر ضرورت برقراری روابط انسانی بر اساس «برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی» تأکید داشتند. در اسلام، همه انسان ها فرزند آدم هستند و اصل بر برابری است، مگر در تقوا که طبق فرموده قرآن کریم: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ؛ بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.»^۸

این اصل، پایه های عدالت اجتماعی را محکم می کند و باعث می شود که احساس تعلق و همبستگی در جامعه افزایش یابد. زمانی که مردم احساس کنند که در کنار هم و در کنار حاکمان، برابر هستند، انگیزه های مشارکت و فداکاری در جامعه رشد خواهد کرد.

۳-۴. استقرار نظامات و مقررات حاکم بر اساس الگوی خدایی

در نهایت، اصلاح اندیشه و زندگی مادی و روابط انسانی، بدون استقرار یک نظام حقوقی و سیاسی که بر اساس احکام الهی باشد، ناقص است. شهید مطهری معتقد بودند که قوانین بشری، به دلیل محدودیت و خطای انسان، نمی توانند عدالت محض را برقرار کنند. تنها قانونی که ریشه در ذات انسان و فطرت پاک او دارد، قانون الهی است.

بنابراین، ساختار حکومتی و قضایی باید طوری طراحی شود که با ارزش های اسلامی همخوانی کامل داشته باشد. این اصل، نشان دهنده دیدگاه سیاسی-فقهی علامه مطهری است که بر لزوم اجرای شریعت در عرصه های اجتماعی و سیاسی تأکید دارند.

۴. هشدارهای استراتژیک شهید مطهری

۴-۱. خاصیت خطرناک انقلاب ها

شهید مطهری، نگاهی بسیار عمیق و پیش بینانه به پدیده انقلاب ها داشتند. ایشان هشدار می دادند که «گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید، فرزندان خود را یک یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزندخور نیست، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد.»^۹

این جمله، یکی از دقیق ترین تحلیل های تاریخ نگارانه از سرنوشت انقلاب هاست. چرا انقلاب ها فرزندان خود را می خورند؟ زیرا در هیاهوی پیروزی، توجه به اصول بنیادین و نظارت بر نخبگان و مسئولان، کمرنگ می شود. فرصت طلبان و انحراف طلبان، از خلاءهای قدرت و بی توجهی ها سوءاستفاده می کنند و سعی می کنند جهت انقلاب را تغییر دهند. شهید مطهری هشدار می دادند که این خطر، واقعی و جدی است و نباید آن را نادیده گرفت.

۴-۲. تجربه کمیته ها و هوشیاری شهید مطهری

آیت الله مهدوی کنی، یکی از شواهد عینی این هشدارها را در ماجرای کمیته ها نقل می کنند. ایشان می گویند: «مرحوم مطهری ده سال آینده را زودتر از همه ما درک می کردند... در همین مسأله کمیته ها، مرحوم مطهری وقتی شنیدند شخص دیگر را می خواهند برای سرپرستی کمیته انتخاب کنند و اینها کسانی بودند که بعداً به عنوان لیبرال شناخته شدند و می خواستند امام را در مدرسه رفاه محصور کنند و ایشان بلافاصله امام را از موضوع آگاه ساختند و امام را در نیمه شب از مدرسه رفاه به مدرسه علوی دعوت کردند که از محاصره آنها خلاص شوند.»^{۱۰}

این روایت، نشان دهنده بینش سیاسی بالا و حساسیت نظارتی شهید مطهری در امور انقلاب اسلامی است. ایشان می

دانستند که اگر کنترل نهادهای انقلابی به دست افرادی که به اصول انقلاب وفادار نیستند بیفتد، فاجعه ای رخ خواهد داد. هوشیاری ایشان در آگاه سازی امام خمینی (قدس سره)، نقش حیاتی در حفظ انقلاب و جلوگیری از انحرافات اولیه ایفا کرد. این نمونه ای از «آگاهی پیشگیرانه» است که علامه مطهری همواره بر لزوم آن تأکید داشتند.

۵. آینه های بازتاب دهنده شخصیت شهید مطهری

۵-۱. نگاه امام خمینی: شهید مطهری، عالم جاودان و پشتوانه فکری انقلاب

امام خمینی (قدس سره)، جایگاه ویژه ای برای شهید مطهری قائل بودند و ایشان را نه تنها یک عالم، بلکه یک «فرزند عزیز» می دانستند. ایشان در پیام تسلیت خود فرمودند: «من فرزند بسیار عزیزی را از دست داده ام و در سوگ او نشستم که از شخصیت هایی بود که حاصل عمرم محسوب می شد. در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست».

امام خمینی، شهید مطهری را نماد «طهارت روح، قوت ایمان و قدرت بیان» می دانستند. ایشان تأکید کردند که «مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاء اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود».

همچنین، امام راحل توصیه کردند که «کتاب های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیراسلامی فراموش شود». این توصیه، نشان دهنده آگاهی امام از جنگ نرم دشمنان بر علیه میراث فکری علامه مطهری است.

۵-۲. نگاه امام شهید خامنه ای: شهید مطهری، خط فکری نجات بخش انقلاب

رهبر شهید انقلاب، همواره بر اهمیت تداوم «خط فکری شهید مطهری» تأکید داشته اند. ایشان فرموده اند: «خطی که می تواند انقلاب را از نظر فکری حفظ کند، همان خط مطهری است». ایشان خود را شاگرد فکری استاد مطهری می دانند و بیان داشتند که «اساس فکر اسلامی من، بر پایه سخنرانی های بیست سال پیش آقای مطهری بنا شده است».

امام شهید خامنه ای (قدس سره)، شهید مطهری را دارای «هنر یافتن موضوعات نو و جدید و نشان دهنده راه» می دانند. ایشان تأکید می نمودند که مسأله مطهری، مسأله یک «جریان فکری» است که هر چه می گذرد برجستگی بیشتری پیدا می کند. این نگاه، نشان دهنده این است که اندیشه مطهری، یک پدیده تاریخی منقرض شده نیست، بلکه یک جریان زنده و پویا است که نیازهای روز را پاسخ می دهد.

۵-۳. شهید مطهری از نگاه یاران و شاگردان

یاران و شاگردان علامه مطهری (قدس سره)، همگی از عمق دانش، تقوا و زهد ایشان سخن گفته اند که در ادامه به برخی اشاره می نمایم.

* دیدگاه آیت الله سیدمحمود طالقانی (رحمه الله)

مرحوم شهید عالی قدر و محقق بزرگ ما، مطهری، سال ها، مدت ها در اینجا (حسینیه ارشاد) مسائل اسلامی و اصول پوشیده شده اسلام را در ابعاد فلسفی توحیدی، مسأله عدل، مسائل معاد، با زبان روز و استدلال و تحقیق، در آن دوره های اختناق و در آن دوره هایی که رژیم طغیان و ضد دین و ارباب های آن نمی خواستند جوان های ما با مسائل اصیل و محرک و انقلابی اسلام آشنا بشوند، کوشیدند و شب و روز سعی کردند و نوشتند و گفتند. ۱۱

* دیدگاه شهید آیت الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی (رحمه الله)

مطالعات گسترده ایشان در زمینه های مختلف ادب، فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، عرفان و مسائل گوناگون اجتماعی و فزونی سرشار و توانایی گفتن و نوشتن و سادگی در معاشرت و برخورد، ایشان را در تفکر اسلامی و شکل گرفتن و رشد این تفکر بخصوص در نسل جوان تحصیل کرده منزلتی خاص داده بود. گستردگی خاص و تأثیر آثار مرحوم استاد مطهری در سراسر کشورمان و در بیرون مرزها، نشر وسیع آثار ایشان در داخل و خارج و ترجمه قسمتی از این آثار به زبان های دیگر، خود نشانه ای از این منزلت است. ۱۲

* دیدگاه آیت الله محمدتقی مصباح یزدی (رحمه الله)

استاد شهید مرتضی مطهری (رحمه الله) از شخصیت های کم نظیر و از برخی جهات بی نظیر بود. اگر تعلیمات مطهری نبود، ما افرادی را که بتوانند نظام اسلامی را بر پایه موازین و معارف محمدی اداره کنند نداشتیم یا دست کم در این زمینه بسیار در تنگنا بودیم... نظایر شهید مطهری جانشینان انبیا هستند که عمر خود را در مسیری صرف کردند که جامعه از محصولات آن به طور اساسی بهره می برد... خصلت ویژه شهید مطهری این بود که در زمان مناسب کمبودها و خلأهای فرهنگی، اجتماعی و

جمع بندی و نتیجه گیری: راهکارهایی برای بیداری فکری با بررسی ابعاد مختلف شخصیت و اندیشه تابناک شهید آیت الله دکتر مرتضی مطهری (قدس سره)، به نتایج زیر دست می یابیم:

۱. یکپارچگی شخصیت: شهید مطهری، فیلسوفی بود که با قلب خود فکر می کرد و عارفی بود که با عقل خود سخن می گفت. این تلفیق، آثارش را از خشکی و سردی نجات داد و به آنها طراوت و جاذبه بخشید.

۲. کاربردی بودن اندیشه: اندیشه ایشان، تئوریک و انتزاعی نبود، بلکه راهکارهای عملی برای اصلاح فرد و جامعه ارایه می داد. اصول چهارگانه اصلاح جامعه از دیدگاه علامه مطهری (اصلاح اندیشه، ساماندهی زندگی مادی، برقراری روابط انسانی، استقرار نظام الهی) همچنان به عنوان چارچوبی استاندارد برای ارزیابی عملکرد حاکمان و اصلاح گران قابل استفاده است.

۳. هوشیاری سیاسی و فرهنگی: هشدارهای ایشان درباره نفوذ فرصت طلبان در بدنه مدیریتی کشور، درس های گران بهایی برای مسئولان نظام اسلامی و متفکران امروز جامعه است. بی توجهی به نظارت بر نخبگان و کنترل گفتمان عمومی، می تواند به انحراف انقلاب منجر شود.

۴. ضرورت بازخوانی آثار: با توجه به فرمایشات امام خمینی و رهبر شهید انقلاب، بازخوانی و تحلیل مجدد آثار استاد شهید مطهری، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای بقای هویت اسلامی-ایرانی جامعه است.

راهکارهای پیشنهادی:

برای بهره مندی واقعی از میراث استاد شهید مطهری، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

* تأسیس مراکز مطالعاتی پیشرفته: ایجاد مراکز تخصصی برای استخراج، دسته بندی و تحلیل موضوعی آثار استاد مطهری، به گونه ای که بتوانند به شبها روز پاسخ دهند.

* بازنویسی و ساده سازی برای نسل جدید: تولید محتوای جذاب (پادکست، ویدیو، اینفوگرافیک) بر اساس آموزه های شهید مطهری برای نسل جوان که با زبان و سبک زندگی متفاوتی زندگی می کنند.

* توسعه سواد رسانه ای و انتقادی: آموزش روش های تفکر انتقادی بر اساس سبک استدلالی استاد مطهری، تا افراد بتوانند خرافات و تحریفات را از حقیقت تشخیص دهند.

* ترویج فرهنگ علم آموزی به عنوان عبادت: با الگوبرگشت از سیره علامه مطهری، می توان انگیزه های مادی را از معادلات علمی کم رنگ کرد و علم آموزی را به عنوان یک خدمت به جامعه و عبادت خدا ترویج نمود.

* نظارت فعال بر نهادهای انقلابی: با الهام از هوشیاری شهید مطهری در ماجرای کمیته ها، و ایجاد مکانیسم های نظارتی شفاف و مؤثر برای جلوگیری از انحراف نهادهای قدرت به دست افراد فرصت طلب.

سخن پایانی:

استاد شهید مرتضی مطهری، تنها یک نویسنده یا استاد دانشگاه و حوزه نبود؛ ایشان «روح بیدار انقلاب فکری» بودند. میراث ایشان، «اندیشه ای زنده» است که در رگ های جامعه اسلامی جریان دارد. همان طور که آیت الله جوادی آملی فرمودند: «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق». عشق مطهری به اسلام، به حق و به حقیقت، باعث شد که پس از شهادتش، اندیشه اش زنده تر از هر زمان دیگری باشد.

ما امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمندیم که با تکیه بر این میراث گرانبها، در برابر طوفان های تهاجم فرهنگی ایستادگی کنیم. باید بیاموزیم که چگونه با ترکیب «عقلانیت» و «ایمان»، دردهای اجتماعی را درمان کنیم و چگونه با «اصالت گرایی» و «پیشرفت طلبی»، مسیری را هموار سازیم که هم رضایت خداوند در آن باشد و هم رفاه و عدالت اجتماعی.

بیاییم عهد ببندیم که با مطالعه عمیق آثار ایشان، نه تنها دانش خود را افزایش دهیم، بلکه شخصیت خود را نیز با الگوی «طهارت روح، قوت ایمان و قدرت بیان» مطهری، اصلاح کنیم. چرا که تنها با چنین شخصیت هایی است که می توان جامعه ای سالم، پویا

و متعالی ساخت. شهید مطهری رفت، اما راهش را روشن گذاشت؛ اکنون نوبت ماست که با قدم های استوار، در این مسیر بایستیم و چراغ هدایتش را روشن نگه داریم.

پی نوشت ها:

۱. از پیام های سه گانه امام خمینی به مناسبت شهادت استاد مطهری

۲. حکمت ها و اندرزها، ص ۱۳۶

۳. سیمای استاد در آینه نگاه یاران، ص ۲۲

۴. همان، ص ۳۳۸

۵. همان، ص ۲۹

۶. مصلح بیدار، ج ۲، ص ۹۵

۷. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۷۳

۸. سوره حجرات، آیه ۱۳

۹. همان، ص ۹۷

۱۰. سیمای استاد در آینه نگاه یاران، ص ۷۷

۱۱. مصلح بیدار ج ۲، ص ۴۷ و ۴۸

۱۲. سیمای استاد در آینه نگاه یاران، ص ۲۱۶

۱۳. آفتاب مطهر، ص ۴۱ و ۸۱

نویسنده: سیدامیرحسین موسوی تبار

منبع: تحریریه راسخون